فردریش روکرت ایران شناس بزرگ

وکیل زاده، سوسن

در سال 1818 یعنی همان سالی که گوته دیوان شرقی خود را آماده می‏کرد و شرق شناس اتریشی هامرپور گستال تاریخ هنر سخنوری ایران را منتشر کرد شاعری جوان و سخندان به وین آمد و به تحصیل زبانهای مشرق زمین پرداخت.نام این مرد جوان که پس از چند هفته به زبانهای عربی و فارسی و ترکی مسلط شده بود فردریش روکرت بود.

او در سال 1788 در شهر شوانیفورت متولد شده بود و در رشته زبانهای باستانی تحصیل کرده و در جنگهای آزادی آلمان(1813)با سرودن اشعار وطن پرستانه برای خود شهرتی کسب کرده بود.پس از بازگشت از دانشگاه وین در شهری کوچک در ولایت باواریای شمالی گوشه انزوا گزید و عمر خود را صرف کار ترجمه نمود و تا آخر عمر خود آثاری از بیش از چهل زبان را که بیشتر از همه از عربی به فارسی و هندی بود، ترجمه کرد.

در سال 1826 روکرت به سمت استادی زبانهای شرقی در دانشگاه ارلانگن برگزیده شد.پس از آن از سال 1841 تا سال 1848 در دانشگاه برلین به تدریس زبانهای عربی و فارسی پرداخت.سپس این شاعر کهنسال به شهر خود بازگشت و در آنجا به کار علمی و شاعرانه خود ادامه داد، از نسخه‏های خطی نادر هر آنچه را که می‏پسندید، رونویسی می‏کرد و سپس اشعار مشرق زمین را در ابیاتی دلکش به زبانهای آلمانی ترجمه می‏کرد، تا آنکه در 31 ژانویه 1866 به آرامگاه ابدی خود رفت.

روکرت که از قریحه دوگانه شاعری و فلسفه برخوردار بود، اشعار عربی و فارسی را نه تنها از نظر دستوری دقیق ترجمه می‏کرد بلکه تا جایی که ممکن بود همیشه حفظ قالب اشعار را نیز هدف قرار می‏داد و به همین جهت ترجمه‏های او از زیبایی همیشگی برخوردارند.

از میان ترجمه‏های این شاعر دانشمند از زبان عربی به ذکر ترجمه اشعار کتاب الحماسه، معلقات و دیوان امرؤالقیس اکتفا می‏کنیم که ترجمه منظوم آنها همه با قافیه و مطابق بحر اصلی انجام گرفته است.ترجمه روکرت از مقامات حریری را که با رعایت سجع و وزن و هنرهای بدیعی دیگر به عمل آمده شاید بتوان زیباتر و نغزتر از اصل عربی شمرد.

در ترجمه‏هایی که این شاعر استاد از زبانهای هندوستان به عمل آورده نیز باید گفت که ترجمه‏های منظوم بهتر و کامل العیارتر از آنها نمی‏توان تصور کرد.

ولی شهرت اصلی روکرت نتیجه ترجمه‏هایی است که از زبان فارسی به زبان مادری خود کرده است.

در سال 1820 روکرت مجموعه دلاویزی از غزل‏های مشهور مولانا جلال الدین رومی شامل چهل و چهار غزل منتشر ساخت.گرچه این رساله را نمی‏توان ترجمه حقیقی شمرد-زیرا قسمتی از آنها مستند به ترجمه‏های هامر پورگستال است-ولی روحیه آن عارف بزرگ و نغمه عشق ازلی او را به کمال وضوح برای خوانندگان غربی آشکار می‏سازد. هم در این اشعار دلکش بود که شاعر دانشمند نخستین بار طرز«غزل»را در زبان آلمانی به کار برد.سپس آن را در آثار دیگر خود تکرار کرد تا آنجا که این طرز از شیوه‏های معروف و مقبول در ادبیات آلمانی گردید.

دو سال بعد روکرت، شاعر دانشمندی که عشق نامتناهی مولوی را در شعر آلمانی نشانده و به هموطنان خود هدیه کرده بود، گلدسته دیگری به نام گلهای شرق منتشر کرد که از دیوان حافظ شیرازی ملهم بود و ظرافت و لطافت گفتار و افکار وی را کاملا منعکس می‏نمود.حافظ برای روکرت«هم صحبت دیرینه»ای بود که روکرت از خواندن اشعار او سیر نمی‏شد.

چندین سال بعد از نشر مجموعه مزبور شاعر دانشمند آلمانی بار دیگر تقریبا هشتاد غزل و سی رباعی از دیوان شاعر شیرازی را که گوته فریفته او بود به نظم ترجمه کرد و این ترجمه کامل‏ترین و معتبرترین ترجمه اشعار حافظ به زبان آلمانی است.این ترجمه نفیس فقط بعد از وفات مترجم و به دست یکی از شاگردان آن شاعر زبردست در رساله‏ای که اکنون نایاب است به طبع رسید.

شک نیست که شاهنامه فردوسی که متن فارسی آن در آغاز قرن نوزدهم هم چاپ شده بود بی‏اندازه مطبوع طبع روکرت واقع شد و سالهای سال روکرت به مطالعه آن مشغول بود و در سال 1838 داستان مشهور«کشتن رستم سهراب را» به صورت یک قصه منظوم حزین و دلنشین به زبان آلمانی انشا کرد.

در عین آنکه به ترجمه شاهنامه فردوسی مشغول بود، اشعار شیخ سعدی شیرازی توجه این شاعر کوشا را به خود جلب کرد و ترجمه‏های منظوم از غزلیات متفرق و قصاید گزیده سعدی را که هم از دیوان و هم از صاحب نامه انتخاب کرده بود به طور کامل و«از اشعار گلستان قسمتی را»به نظم در آورد.روکرت به اشعار اخلاقی تمایل داشت و بدین سبب اشعار سعدی را سخت می‏پسندید.لیکن همه این ترجمه‏های خوب که این شاعر هنرمند از ادبیات فارسی فراهم آورد در مدت حیات وی به طبع نرسید، زیرا فقط نفس ترجمه کردن و شعر گفتن و تحقیق علمی بود که روکرت را خشنود می‏کرد، وگرنه به درخواستهای ناشرین برای نشر آثارش رغبت چندانی نشان نمی‏داد.با روانی طبع و مهارتی که در شعر گفتن داشت گاهی آثار قدیم خود را فراموش می‏کرد و نسبت به ثمرات اشتغالات خود اهمال می‏ورزید.

این رویه موجب شد که آن ترجمه‏های بی‏نظیر فقط بعد از فوت شاعر به طبع رسید و هنوز نیز بسا نسخه‏های خطی در متروکات او می‏توان یافت که برای نشر در انتظار اقدام عالمی زبان‏شناس است.

اما قسمتی از ترجمه غزلیات و قطعه‏های مولانا جامی را که از نسخه‏های خطی از کتابخانه گوتا رونویسی کرده بود و از ترجمه‏های زیبا و دل انگیز او به شمار می‏رود در سالهای 1864 تا 1852 در مجلات شرق شناسی آلمان منتشر کرد. گذشته از اینها در آثار پراکنده روکرت و همچنین در اوراقی که از وی به جا مانده است ترجمه‏های بسیار شاعرانه از اشعار حماسی نظامی یافت می‏شود.

این دانشمند خستگی ناپذیر از ترجمه اشعار محلی نیز مثلا دوبیتی‏های گیلانی و ترانه‏های مازندرانی غفلت ننموده است.یکی از مهمترین و مفصل‏ترین کتابهای روکرت ترجمه و شرح باب هفتم کتاب هفت قلزم است که رساله‏ای فارسی در علم عروض و معانی و بیان است-این رساله در هندوستان نوشته شده بود-و در آن معرفت روکرت به دقیق‏ترین مسائل علم بدیع و فنون نظم، نمایان می‏شود.

روکرت این ستاره پرنور آسمان شرق شناسی و این در فرید عقد شاعران آلمانی با ترجمه‏های خود گزیده‏ترین آثار شعر فارسی را در دسترس ملل آلمانی زبان قرار داده است. زیبایی این ترجمه‏ها با وجود کمال دقت در حفظ معنی و رعایت شعر اصلی براستی محیر العقول است و باید گفت تا کنون هیچ شاعری و هیچ شرق‏شناسی نتوانسته است نظیرش را انجام دهد.

حال اگر سؤال شود که مقصود دانشمند زبان‏شناس معتبری چون روکرت از این ترجمه‏های بی‏شمار چه بود، می‏گوییم:مقصود او نمودن وحدت اصلی نوع بشر بوده است.زیرا در نظر او:«شعر زبانهای گوناگون دنیا به گوش مردم عارف زبانی واحد است...زبانی ازلی که در ازل در فردوس خوانده‏اند، نغمه‏ای ابدی که در آن احساسات جاوید مردمان را سروده‏اند.شناختن شعر ملی شناختن روح آن ملت است.تنها وسیله موثق برای ایجاد دوستی و تفاهم میان ملت‏ها و اقوام عالم کلام شاعران است.»

بدین سبب بود که روکرت، آن دانشمند عالیقدر و شاعر توانا، طبع بلند و علم وسیع خود را برای خدمت به شعر عالم وقف کرد و به طوری که خود تأکید کرده است در هربیت فارسی یا عربی که از آن شعر نویی در زبان آلمانی به وجود می‏آورد، قدم کوچکی در تحکیم تفاهم میان اقوام و ملت‏ها می‏دید.

اکنون که بیشتر از صدوده سال از وفات آن شاعر بلند پایه می‏گذرد شایسته است که پیام او را از نو بشنویم تا دوستان ما در مشرق زمین، عظمت خدمت روکرت را در شناساندن فرهنگ شرق در اروپا بشناسند و تا ملل آلمانی زبان از برکت ترجمه‏های او عظمت فرهنگ اسلامی و جمال شعر فارسی را دریابند.

یاد داشت:

\*این مقاله دیباچه‏ای است از یک دفتر کوچک اشعار فارسی ترجمه شده به آلمانی توسط روکرت که آن ماری شمیل شرق شناس و ایران‏شناس معروف آلمانی آنرا نوشته و در سال 1966 در ویسبادن منتشر شده است.